



امام خمینی (ره) پدر جنبش های اسلامی در جهان امروز است

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در اجتماع پرشور عزاداران امام خمینی (ره) تاکید کردند: محافل سیاسی و رسانه ای دنیا از خطر ایران هسته ای دم می زنند، من می گویم اینها دروغ می گویند، اینها فریبکاری می کنند، آنچه آنها از آن می ترسند و باید هم بترسند ایران هسته ای نیست، ایران اسلامی است، ایران اسلامی است که در ارکان قدرت استکباری زلزله ایجاد کرده است.

ولی امر مسلمین در سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی تبیین فرمودند
امام خمینی (ره) پدر جنبش های اسلامی در جهان امروز است

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در اجتماع پرشور عزاداران امام خمینی (ره) تاکید کردند: محافل سیاسی و رسانه ای دنیا از خطر ایران هسته ای دم می زنند، من می گویم اینها دروغ می گویند، اینها فریبکاری می کنند، آنچه آنها از آن می ترسند و باید هم بترسند ایران هسته ای نیست، ایران اسلامی است، ایران اسلامی است که در ارکان قدرت استکباری زلزله ایجاد کرده است.
متن بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در حرم مطهر امام خمینی به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاه و السلام علي سيدنا و نبينا و حبيب قلوبنا و طيب نفوسنا ابي القاسم المصطفى محمد و علي ءاله الأتبيين الأطهرين و صحبه المنتجبين المصطفين و من تبعهم باحسان الي يوم الدين. و صلّ علي بقیته الله في الأرضين الذي يملأ الله به الأرض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا.

قال الله الحكيم في كتابه: بسم الله الرحمن الرحيم. و توکل علي العزيز الرحيم. الذي یریک حين تقوم. و تقلبك في الساجدين. انه هو السميع العليم.(1)

خداوند را سپاسگزاریم که فرصتی دیگر به ما عنایت کرد تا در کنار مرقد امام و پیشوا و رهبر و مرشد بزرگ این ملت، یک بار دیگر گرد هم جمع شویم، برای تجدید عهد و تجدید بیعت با این امام بزرگوار، و بازخوانی سیره و درسهای امام - که درسهای انقلاب است - و برای روشن کردن راه آینده مان و تصحیح مسیرمان.

این روزها مصادف است با عید مبارک ولادت امیر مؤمنان (سلام الله علیه) که پدر امت بود. مردم ما روز سیزدهم رجب را 171# روز پدر نامیده اند. امام بزرگوار ما در حق این ملت و در حق این کشور پدری کرد. پدر امت، یعنی مظهر مهربانی و رحمت و مظهر اقتدار و صلابت و شخصیت؛ استحکام شخصیت پدرانه، در کنار محبت و مهربانی پدرانه. علاوه بر اینها، امام پدر جنبش اسلامی امروز در دنیای اسلام است. یکی از خطوط اصلی در سیره امام و منش امام که امروز به آن میپردازیم و درباره آن قدری بحث میکنیم، دمیدن روح عزت ملی در کالبد کشور است. بحث درباره این حرکت عظیم امام که عزت ملی را در کشور ما و ملت ما زنده کرد، یک بحث متکی به واقعیات جامعه است؛ یک بحث صرفاً ذهنی نیست. عزت یعنی چه؟ عزت به معنای ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله با دشمن، در مقابله با موانع، دارای اقتدار میکند و بر چالشها غلبه می بخشد.

در ابتدا یک بحث قرآنی کوتاهی را عرض کنم. در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه خدایی قرار میگیرد. در مصاف بین حق و باطل، بین جبهه خدا و جبهه شیطان، عزت متعلق به کسانی است که در جبهه خدایی قرار میگیرند. این، منطق قرآن است. در سوره فاطر میفرماید: 171#& «من كان يريد العزة فلله العزة جميعا».(2) در سوره منافقون میفرماید: 171#& «و لله العزة و لرسوله و للمؤمنين و لیکن المنافقین لا یعلمون».(3) عزت متعلق به خداست، عزت متعلق به پیامبر و به مؤمنین است؛ اگرچه منافقان و کافردلان این را درک نمیکنند؛ نمیفهمند که عزت کجاست، مرکز عزت واقعی کجاست. در سوره نساء، درباره کسانی که خود را متصل به مراکز قدرتهای شیطانی میکنند، برای اینکه حیثیتی به دست بیاورند، قدرتی به دست بیاورند، میفرماید: 171#& «أیبتغون عندهم العزة فان العزة لله جميعا».(4) آیا دنبال عزتند این کسانی که به رقبای خدا، به دشمنان خدا، به قدرتهای مادی پناه میبرند؟ عزت در نزد خداست. در سوره مبارکه شعراء، گزارشی از مجموعه چالشهای پیامبران بزرگ را مطرح میفرماید - درباره حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت هود، حضرت صالح، حضرت شعیب، حضرت موسی - مفصل درباره چالشهای این پیامبران بزرگ بحث میکند و گزارش الهی و وحی را به گوش مردم میرساند. در هر مقطعی که میخواهد غلبه جبهه نبوت را بر جبهه کفر بیان بفرماید، میفرماید: 171#& «ان في ذلك لایه و ما کان اکثرهم مؤمنین. و ان ربك لهو العزيز الرحيم».(5) یعنی با اینکه طرف مقابل اکثریت داشتند، قدرت دست آنها بود، پول دست آنها بود، سلاح دست آنها بود، اما جبهه توحید بر آنها پیروز شد؛ در این یک آیتی است از آیات الهی، و خدای تو عزیز و رحیم است. بعد از آنکه قرآن این گزارش را در طول سوره مبارکه شعراء هی تکرار میکند، تکرار میکند، در آخر سوره خطاب به پیغمبر میفرماید: 171#& «و توکل علي العزيز الرحيم»؛ به این خدای عزیز و رحیم که تضمین کننده غلبه حق بر باطل است، توکل و تکیه کن. 171#& «الذي یریک حين تقوم. و تقلبك في الساجدين»؛ او ناظر به حال توست؛ در حال قیام، در حال سجده، در حال عبادت، در حال حرکت، در حال تلاش؛ او حاضر و ناظر است، تو را می بیند؛ 171#& «انه هو السميع العليم». پس در منطق قرآن، عزت را باید از خداوند طلب کرد.

وقتی که عزت شامل حال یک انسان، یک فرد یا یک جامعه میشود، مثل یک حصار عمل میکند، مثل یک باروی مستحکم عمل میکند؛ نفوذ در او، محاصره او، نابود کردن او برای دشمنان دشوار میشود؛ انسان را از نفوذ و غلبه دشمن محفوظ نگه میدارد. آن وقت هرچه این عزت را در لایه های عمیق تر وجود فرد و جامعه مشاهده کنیم، تأثیرات این نفوذناپذیری بیشتر میشود؛ کار به جایی میرسد که

همچنان که انسان از نفوذ و غلبه دشمن سياسي و دشمن اقتصادي محفوظ مي ماند، از غلبه و نفوذ دشمن بزرگ و اصلي، يعني شيطان هم محفوظ باقي ميماند. آن کساني که عزت ظاهري دارند، اين عزت در دل آنها، در درون آنها، در لايه هاي عميق وجود آنها نيست؛ لذا در مقابل شيطان بي دفاعند، نفوذپذيرند.

معروف است که ميگويند اسکندر مقدوني در يك راهي ميگذشت، مردم به او کرنش ميکردند. يك مرد پارسي مؤمني در يك گوشه اي نشسته بود، کرنش نکرد، احترام نکرد، بلند نشد. اسکندر تعجب کرد، گفت: او را بياوريد. او را آوردند. گفت: تو چرا در مقابل من کرنش نکردي؟ گفت: زيرا تو غلام غلامان مني؛ چرا در مقابل تو کرنش کنم؟ گفت: چطور؟ گفت: زيرا تو غلام شهوت و غضب خود هستي، و شهوت و غضب غلامان منند، در اختيار منند، من بر آنها غالبم.

بنابراين اگر عزت نفس در درون لايه هاي عميق وجود انسان نفوذ کرد، آن وقت شيطان بر انسان اثر نميگذارد؛ هوي هاي نفس در انسان اثر نميگذارد؛ شهوت و غضب، انسان را بازيچه خود قرار نميدهد.

ما امام را اينجور شناختيم. امام در طول حيات، چه در حوزه علم و تدريس، چه در دوران مبارزه دشوار، و چه در حوزه مديريت و حاکميت - آن وقتي که در رأس کشور قرار گرفت و مديريت جامعه را در قبضه گرفت - در همه اينها مصداق «؛و توکل علي العزيز الرحيم» بود. براي همين بود که کارهاي بزرگي که همه ميگفتند نشدني است، با طلوع امام، اين کارها شدني شد؛ همه سدهايي که گفته ميشد شکستني نيست، با حضور امام، اين سدها شکستني شد. او علاوه بر اينکه خود، مظهر عزت نفس و اقتدار معنوي بود، روح عزت را در ملت هم زنده کرد. اين، کار بزرگ امام بزرگوار بود؛ که من دوباره برميگردم، درباره اين نکته توضيح خواهم داد. ملت ما با احساس عزتي که از درسيهاي انقلاب و امام آموخت، توانست خود را کشف کند. ملت، خود را کشف کرد، توانايي هاي خود را کشف کرد؛ و چنين شد که ما در اين چند دهه، بسياري از تحقق وعده هاي الهي را با چشم خودديديم؛ چيزهايي را که در تاريخ ميخوانديم، در کتابها ميديدم، در مقابل چشم خودمان مشاهده کرديم؛ غلبه مستضعفين را بر مستکبرين، بي بنيادي قصرهاي بظاهر باشکوه مستکبران و بسياري از حوادث ديگر را در اين سالها ديديم.

من ميخواهم بر روي اين مسئله «؛عزت ملي» تكيه کنم تا به يك نقطه مورد نظر برسم. امروز روز بزرگي است؛ سالگرد رحلت بنيانگذار جمهوري اسلامي ايران است. امروز ياد امام بزرگوارمان از هميشه زنده تر است. ميراث بابرکت او امروز در اين کشور و در دنياي اسلام در مقابل چشم همگان است. روي برخي از ابعاد وجودي اين حرکت تكيه کنيم.

عزت ملي. ما ايراني ها در طول تاريخ طولاني خودمان دوراني متفاوتي را گذرانده ايم؛ عزت هم داشتيم، ذلت هم داشتيم؛ اما در اين دوران طولاني دويست ساله منتهي به انقلاب، ما يك دوران سخت تاريخ ذلت را گذرانديم. خيلي ها از تاريخ بي خبرند، و خيلي ها تاريخ را سرسري نگاه ميکنند. بايد در تاريخ تعمق کرد، از تاريخ درس گرفت. ما در اين دويست سال، يك دوران تاريخ ذلت را از سر گذرانديم. نشانه هاي اين ذلت، زياد است. ما در تمام اين دوران، در حوزه سياست، يك ملت منزوي بوديم؛ در فعل و انفعالات منطقه خودمان - چه برسد به فعل و انفعالات جهان - هيچ تأثيري نداشتيم. در اين دوران دويست ساله، استعمار به وجود آمد. دولتهاي مستعمر از اقصى نقاط عالم به منطقه ما آمدند؛ کشورهايي را گرفتند، ملتهايي را اسير کردند، منابع ثروت ملتها را غارت کردند. در اين دويست سال، دولت ايران و ملت ايران، بي خبر و غافل، به حوادث نگاه ميکردند؛ حتي شايد از حوادث مطلع هم نميشدند، چه برسد به اينکه بخواهند در آن حوادث دخالت کنند و تأثير بگذارند. در حوزه اقتصاد، وضع ما روزه روز به طرف انحطاط بيشتر حرکت ميکرد. در حوزه علم و فناوري، بکلي عقب مانده بوديم؛ هيچ دستاورد علمي اي که قابل توجه و قابل عرضه باشد، در مقابله با حرکت عظيم علمي در دنيا نداشتيم. در سياست داخلي خودمان، دستخوش سياستهاي بيگانگان بوديم. استعمارگرها، قدرتهاي مسلط دنيا، بر روي حکومتهاي ما اثر ميگذاشتند؛ آنها را به اين طرف و آن طرف ميکشاندند، به آنها تحميل ميکردند، از آنها کار ميکشيدند؛ و دولتهاي ما، پادشاهان ما، قدرتهاي مسلط ما، هيچ عکس العمل شايسته انساني افتخارآمизи از خودشان نشان نميدادند. حتي در زمينه حفظ تماميت ارضي کشور، حفظ حاکميت دولتها، ضعف خجالت آوري را در اين دوران دويست ساله مشاهده و تجربه کرديم. در همين دوران دويست ساله است که معاهده ذلتبار ترکمانچاي و قبل از آن، معاهده گلستان اتفاق افتاد؛ هفده شهر قفقاز را از ايران جدا کردند. در همين دوران دويست ساله بود که آمدند بوشهر ما را اشغال کردند، بدون کمتري مقاومتی از سوي دولت و دولتي ها. در همين دوران بود که يك دولت بيگانه آمد در قزوین اردوي نظامي زد و دولت مرکزي تهران را تهديد کرد که بايد فلان کار را بکنيد، فلان اقدام را بکنيد، فلان کس را بيرون کنيد، والا به تهران حمله ميکنند. يعني تا قزوین جلو آمدند، تهران را تهديد کردند، دولت مرکزي در تهران به خود ميلرزيدند. اگر شخصيتهاي نادري در اين ميان نبودند، قطعاً تسليم اولتيماتوم آن دولت بيگانه مي شدند. در همين دوران بود که دولت انگليس آمد حکومت پهلوي ها را در ايران به وجود آورد؛ رضاخان را انتخاب کردند، از يك مرکز فروستي او را بالا کشيدند، به سلطنت کشور رساندند و سلطنت او را در کشور به صورت يك قانون درآوردند و همه امور را به دست او دادند و او هم در مشت خودشان و در اختيار خودشان بود. در همين دوران بود که قرارداد ننگين 1299 - 1919 ميلادي - اتفاق افتاد؛ که بر طبق اين قرارداد، اقتصاد کشور به دست بيگانه مي افتاد و سياست کشور و اقتصاد کشور يکباره در اختيار دشمنان ايران قرار مي گرفت. در همين دوران بود که رييس سه کشور - که متحدين جنگ بودند - به تهران آمدند و بدون اينکه از دولت اجازه بگيرند و بدون اينکه به دولت مرکزي کمتري اعتنايي بکنند، در اينجا جلسه تشکيل دادند. روزولت، چرچيل و استالين به ميل خودشان به تهران آمدند و جلسه تشکيل دادند؛ نه از کسي اجازه گرفتند، نه گذرنامه اي نشان دادند. محمدرضا که آن روز پادشاه ايران بود، مورد اعتنايي اينها قرار نگرفت؛ آنها به ديدن او نرفتند، او به ديدن آنها رفت؛ وارد اتاق شد، برايش بلند نشدند، اعتنا نکردند! ببينيد ذلت يك دولت مرکزي که سرريز ميشود بر روي مردم، تا کجاها منتهي ميشود؟ اين، حضيض ذلت يك حکومت و يك ملت است. اين، مال دوران دويست ساله ماست.

البته در اين ميان، استثناهايي وجود داشت: مثلاً يك اميرکبيری سه سال بر سر کار آمد. يا فتواي ميرزاي بزرگ شيرازي توانست قضيه

تنباکو را فیصله بدهد. یا علما در قضیه مشروطیت دخالت کردند. یا نهضت ملی شدن نفت در یک دوره ای به راه افتاد. همه اینها کارهای کوتاه مدت، موقت و بعضاً بکلی ناکام بود؛ اما روال کلی، حرکت کلی، حرکت ذلت بود که بر این ملت بزرگ، بر این ملت تاریخ ساز، بر این ملت دارای موارث عظیم تاریخی تحمیل شده بود.

انقلاب کبیر اسلامی بکلی جهت را عوض کرد و ورق را برگرداند. همت امام - که رهبر این انقلاب و زمامدار این انقلاب و پیشوای این انقلاب بود - بر این گماشته شد که روح عزت ملی را در این مردم احیاء کند؛ عزت آنها را به آنها برگرداند. امام بزرگوار فرهنگ «؛ ما میتوانیم» را به دهان مردم انداخت و در دل آنها جایگزین کرد؛ این همان فرهنگ قرآنی است که فرمود: «؛ و لا تنهوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین». (6) خود ایمان به معنای علو است. ایمان وسیله علو مادی است، اما فقط این نیست؛ نفس ایمان علوآور است، عزت آور است، یک ملت را رشد میدهد. خود امام جلو افتاد، رهبری کرد، آن وقت انگیزه ها در مردم بیدار شد، همتها در مردم بیدار شد، استعدادها جوشیدن گرفت؛ و عمل مردم، حضور مردم در صحنه، زمینه جلب رحمت الهی شد. این، نکته بسیار عظیمی است. رحمت الهی گسترده است؛ اما تا انسان ظرف خود را آماده نکند، این باران رحمت گیر او نمی آید. ملت ما به صحنه آمد، خود را در وسط میدان قرار داد، این شد زمینه رحمت الهی و هدایت الهی؛ هدایت الهی شامل حال او شد، رحمت الهی شامل حال او شد، حرکت بی وقفه آغاز شد؛ حرکت به سمت عزت، حرکت رو به جلو، حرکت عزت آفرین؛ البته گاهی کند، گاهی تند، اما بدون وقفه و تعطیل.

وقتی ادبیات انقلابی امام را ملاحظه میکنید، می بینید تکیه اصلی بر روی ساخت درونی ملت است؛ احیای روح عزت، نه با تفاخر، نه با غرور، نه با به خودبستن، بلکه با استحکام ساخت درونی. آنچه که ما باید به آن توجه کنیم، این است که این یک کار مقطعی نیست؛ این یک کار مستمر است، یک کار ادامه دار است. ملت باید با عوامل رکود و ایستایی مقابله کند. عواملی وجود دارد که یک انسان پیشرو را، یک ملت پیشرو را متوقف میکند. بعضی از این عوامل در درون خود ماست؛ بعضی از این عوامل، تمهیدات دشمن است. اگر بخواهیم دچار رکود نشویم، دچار ذلت نشویم، دچار عقبگرد نشویم، دچار همان وضعیت دوزخی قبل از انقلاب نشویم، باید حرکتیمان متوقف نشود. اینجا است که با یک مفهومی به نام «؛ پیشرفت» روبه رو میشویم. باید دائم پیشرفت کنیم. این عزت ملی، این استحکام درونی، این ساخت مستحکم، بایستی دائم در حال جلو رفتن باشد و ما را به پیشرفت برساند. این دهه به «؛ دهه پیشرفت و عدالت» نامگذاری شده است. عدالت هم در دل پیشرفت است. پیشرفت، فقط پیشرفت در مظاهر مادی نیست؛ در همه ابعاد وجودی انسان است؛ که درونش آزادی هم هست، عدالت هم هست، اعتدالی اخلاقی و معنوی هم هست؛ اینها همه در مفهوم پیشرفت هست. البته در آن، پیشرفت مادی، پیشرفت مظاهر زندگی، پیشرفت علمی هم وجود دارد. امام با آن حرکت خود، ما را در جاده ای قرار داد که باید در این جاده پیش برویم. هرگونه توقف در این جاده، ما را به عقبگرد میرساند. ملتی که از حقیقت عزت برخوردار شده است و در جاده پیشرفت قرار گرفته است، اگر این نعمت را کفران کند، آن وقت مصداق این آیه شریفه می شود که: «؛ أَلَمْ تَرَالِ الْذِّینَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ کُفْرًا وَ اَحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ. جَهَنَّمَ یَصْلَوْنَهَا وَ بئْسَ الْقَرَارُ»؛ (7) دنیا دوباره دوزخ خواهد شد، زندگی دوباره تلخ خواهد شد. ملتها اگر ایستادگی نکنند و پیش نروند، دوباره همان سختی و سیاهی دوران ذلت بر سر آنها سایه افکن خواهد شد.

ما امروز در مسئله عزت ملی و پیشرفت ناشی از آن با یک الگوی زنده مواجه ایم. عرض کردم؛ بحث ما یک بحث ذهنی محض نیست. یک الگوی زنده در مقابل ماست و آن، خود این ملت و این جامعه است؛ یک مدل تجربه شده و امتحان داده. ملت ایران با این مدل، با این الگو وارد میدان شده. من نمونه هایی از پیشرفت ملت ایران را عرض میکنم؛ هر کدام از اینها یک شرح مفصل و مصداقهای متعدد دارد.

یک نمونه از پیشرفت ملت ایران، غلبه بر همه چالشهای سیاسی و نظامی و امنیتی و اقتصادی در طول این سی و سه سال است. هدف آنها از این چالشها، از بین بردن موجودیت نظام بود؛ موجودیت نظام را آماج قرار داده بودند. ملت بر همه این چالشها پیروز شد. در این میدان، یک روز که دنیا دست شرق و غرب بود، ملت ایران بر شرق و غرب پیروز شد؛ امروز که به حسب ظاهر، دنیا در دست غرب گمراه است، ملت ایران توانسته است بر این غرب گمراه پیروز شود.

نمونه دیگر از پیشرفت ملت ایران این است که ما ملت ایران، امروز از لحاظ قدرت سیاسی، از لحاظ قدرت تأثیرگذاری بر تحولات دنیا و حضور در فعل و انفعالات منطقه خودمان، بلکه دیگر مناطق جهان، از اول انقلاب بر مراتب قوی تریم. این مسئله، نمونه هایی دارد، شواهدی دارد؛ این را دشمنان ما میگویند. یکی از رؤسای رژیم جعلی صهیونیستی، که دشمن شماره یک ملت ایران و انقلاب ایران است، اعتراف میکند و میگوید - اینها عین عبارت اوست - امروز یک نیروی قدرتمندی وجود دارد که در خلاف جهت هدفهای ما پیش میرود و ایران رهبری این قدرت را به دست گرفته است. این سیاستمدار درمانده و حیرت زده اعتراف میکند و میگوید امروز پشت مرزهای ما خمینی خیمه زده است! یک سیاستمدار کهنه کار شناخته شده آمریکایی هم که ما با وضع او کاملاً آشنا هستیم، در یک جلسه ای مقایسه میکند آمریکای 2001 میلادی را با آمریکای 2011، میگوید - که این حرفها همه مال همین دوسه ماه اخیر است - کدام دیوانه ای وضعیت آمریکای ابرقدرت اول هزاره را به شرائط رقتبار آمریکا در سال 2011 - سال گذشته میلادی - تبدیل کرده است؟ بعد میگوید: این تحولاتی که اتفاق افتاده و به این وضع منتهی شده است، دامن زننده به این تغییر، ایران است. معنای این جملات این است که امروز ملت ایران توانسته است با حضور خود، با استقامت خود، با عزت خود، با صلابت خود، بر روی حوادث مهم جهان و حوادث مهم منطقه، این تأثیرات ژرف را باقی بگذارد. این هم یک شاخص از شاخصهای پیشرفت، که عرض کردم عینی و جلوی چشم ماست.

یک شاخص دیگر، حجم خدمات عمرانی و آبادانی در این کشور پهناور است. امروز شما می توانید در همه گوشه و کناره های این کشور، خدمات عمرانی را، خدمات آبادانی را، سازندگی را به معنای وسیع کلمه مشاهده کنید؛ که سال به سال هم افزایش پیدا می کند. این

از جمله شاخصهای مهم پیشرفت يك ملت است. از جمله شاخصهای پیشرفت این است که پیچیده ترین طرحها، پیچیده ترین دستگاه های صنعتی، سازه های مهندسی، کارخانه های فولاد، نیروگاه ها و کارهای بزرگ که در این کشور انجام می گیرد، تماماً به دست متخصصان ایرانی و جوانهای ساخته شده انقلاب است. ما امروز در بسیاری از کارهای مهمی که در این کشور انجام میگیرد، هیچ احتیاجی به حضور متخصصان خارجی نداریم. این کشوری که يك اسفالت می خواستند بکنند، يك پل میخ واستندتوي خیابان بزنند، بایستی از بیرون اشخاصی را می آوردند، امروز کارهای بزرگ، سازه های عظیم مهندسی، کارهای پیچیده انجام می دهد. انجام دهند، همین جوانهایی هستند که در محیط انقلاب پرورش پیدا کردند، بارور شدند، بالنده شدند، بارها را بر دوش گرفتند.

يك شاخص دیگر، شتاب علمی کشور است - که بارها اعلام شده، تکرار شده - تولیدات نمایه شده، رتبه علمی کشور در سال 2011 میلادی؛ که اینها همه اش افتخارآفرین است. این هم قضاوت ما نیست؛ قضاوت مراکز علمی رسمی دنیاست که آنها دارند می گویند. می گویند رشد علمی کشور، یازده برابر متوسط رشد دنیاست؛ و سال 2011 نسبت به سال قبل، بیست درصد هم افزایش پیدا کرده؛ این را آنها دارند می گویند. در بعضی از حوزه ها، مثل حوزه هسته ای، حوزه نانو، حوزه سلولهای بنیادی، حوزه هوافضا، حوزه زیست فناوری، وضع ما درخشان است. کارهایی که دارد انجام می گیرد، کارهای درخشانی است که در دنیا به شکل معدودی وجود دارد. در بین این همه کشور دنیا - کشورهای به اصطلاح پیشرفته و غیر پیشرفته - بعضی از این کارها فقط در پنج کشور یا در ده کشور یا در پانزده کشور، بیشتر وجود ندارد. به ما هم که هیچ کمک علمی نکردند. در مراکز علمی پیشرفته دنیا به روی دانشجویهای ما بسته است؛ اینها از درون جوشیده است. و البته همین جا در حاشیه عرض بکنم؛ این تحریمهایی که انجام گرفت، بزرگترین کمک را به ما در این زمینه کرد.

يکي از مظاهر و نمونه ها و شاخصهای پیشرفت، مردم سالاری اسلامی است، که باید به اینها توجه کرد؛ بسیار مهم است. ما انتخاباتی شورانگیزی در این کشور داشتیم: انتخابات ریاست جمهوری در دوره های مختلف؛ که از همه پرشورتر، دوره دهم در سه سال گذشته بوده است. همچنین انتخاباتی مجلس. ما نه دوره قانونگذاری در کشور داشتیم؛ که همه این نه دوره در روز هفتم خرداد، بدون يك روز تأخیر، افتتاح شده است؛ این چیز کوچکی است؟ در طول سی و سه سال، نه دوره انتخابات مجلس برگزار شده است، نه تا مجلس شورای اسلامی تشکیل شده است، بدون يك روز تأخیر. هیچ حادثه سیاسی، حادثه امنیتی، حادثه اقتصادی، تهدیدهای دشمن نتوانسته است انتخابات را يك روز عقب بیندازد. در همه دوره ها، هفتم خرداد، روز تشکیل مجلس جدید است.

مورد دیگر، انگیزه ها و شعارهای انقلابی مردم است. شما نگاه کنید جشنهای یادبود انقلابی دنیا در کشورها چگونه انجام می گیرد. يك مراسم رسمی ای درست می کنند، يك عده ای از رجال يك جایی جمع میشوند، احیاناً نیروهای مسلحی هم رژه میروند. در ایران، سالروز پیروزی انقلاب - یعنی بیست و دو بهمن - به وسیله میلیونها مردم در سرتاسر کشور با شوق و ذوق فراوان انجام می گیرد؛ هر سال هم از سال قبل شورانگیزتر و مهمتر و بزرگتر؛ این نشان دهنده زنده بودن این ملت و پیشرفت این ملت در اهداف انقلابی است. در تهذیب و تطهیر روحیه هم همین جور. بعضی ها نگاه می کنند به يك مظاهری، می بینند يك چند تا جوان، يك چند تا زن یا مرد، يك عمل خلافی انجام دادند، فوراً رویش يك قضاوت کلی می گذارند؛ این غلط است. مردم به معنویات توجه دارند. شما همین روزها به مساجد دانشگاه ها بروید، ببینید در این روزهای اعتکاف چه خبر است. از فردا جوانهای ما میروند در مساجد اعتکاف میکنند. يکي از شلوغ ترین، گرمترین و پرشورترین مراکز اعتکاف، مساجد دانشگاه های ماست؛ غیر از مساجد عمومی و مساجد بزرگ، که همه در آن شرکت میکنند. این نشان دهنده حرکت مردم به سمت معنویت است. با اینهاست که ما میتوانیم تشخیص بدهیم، قضاوت کنیم، حکم کنیم به این که کشور ما، ملت ما، در حال پیشرفت است. در همه ابعاد، کشور دارد پیشرفت میکند؛ و همه در زیر پرچم اسلام و در سایه دعوت الهی این مرد بزرگ، این انسان والا، این جانشین بحق پیامبران و اولیاء الهی. این مرد بزرگ راه را در مقابل ملت ما باز کرد.

محافل سیاسی و رسانه ای دنیا از خطر ایران هسته ای دم میزنند؛ که ایران هسته ای خطر دارد! من میگویم اینها دروغ میگویند، اینها فریبگری میکنند. آنچه آنها از آن میترسند و باید هم بترسند، ایران هسته ای نیست؛ ایران اسلامی است. ایران اسلامی است که در ارکان قدرت استکباری زلزله انداخته است. ملت ایران اثبات کردند که بدون تکیه به آمریکا، بدون تکیه به قدرتهای مدعی، بلکه با دشمنی های آمریکا و قدرتهای مدعی دنیا، يك ملت میتواند به پیشرفت واقعی دست پیدا کند. این درس است؛ آنها از این درس میترسند. آنها میخواهند به ملتها بیاوراند، به زبندگان و نخبگان سیاسی بیاوراند که بدون کمک آمریکا و بیرون از حوزه نفوذ آمریکا نمیشود پیشرفت کرد. ملت ایران اثبات کرده است که بدون آمریکا، بلکه با دشمنی آمریکا میتواند به پیشرفت دست پیدا کند. این درس بزرگی است؛ آنها از این میترسند.

خب، حالا من حرف آخر را در این زمینه عرض بکنم. عزیزان من، جوانهای عزیز، مردم مؤمن! بله، ما رکورد زدیم، ما پیشرفت کردیم؛ اما اگر دلمان را به آنچه که تاکنون به دست آوردیم، خوش کنیم، شکست خواهیم خورد؛ اگر توقف کنیم، به عقب پرتاب خواهیم شد؛ اگر دچار غرور شویم، دچار عجب و خودشگفتی شویم، به زمین خواهیم خورد؛ اگر ما مسئولان کشور - بخصوص این دیگر مربوط به ما مسئولان است - دچار خودمحوری شویم، دچار تکبر شویم، دچار خودشگفتی شویم، تودهنی خواهیم خورد. دنیا اینجور است، سنت الهی این است. در پی کسب محبوبیت نباشیم، دنبال تمتعات دنیوی نباشیم، دنبال پرداختن به اشرافیگری و تجملات نباشیم. ما مسئولین، خودمان را حفظ کنیم؛ همچنان که این مرد بزرگ خود را حفظ کرد. اگر ما اینجا دچار اشتباه شویم، مصداق همان آیه شریفه خواهیم شد که: «و احلوا قومهم دارالبوار. جهنم یصلونها و بئس القرار».

در راه پیشرفت، توقف ممنوع است؛ خودشگفتی ممنوع است؛ غفلت ممنوع است؛ اشرافیگری ممنوع است؛ لذت جویی ممنوع است؛ به فکر جمع کردن زخارف دنیا افتادن، برای مسئولین ممنوع است. با این ممنوعیتهاست که میتوانیم به قله برسیم. ما داریم در دامنه حرکت میکنیم. ما هنوز به قله نرسیده ایم؛ با آن فاصله داریم. آن روزی که ملت ایران به قله برسد، دشمنی ها تمام خواهد شد. آن

روزي که ملت ايران به قله برسد، معارضه هاي خباثت آلود به پايان خواهد رسيد. ما تا آن روز فاصله داريم. حرکت را بايد بي وقفه ادامه دهيم. من به جوانها، به مسئولين، به دانشجويان، به علماي بزرگوار، به کساني که توانايي سخن گفتن با مردم دارند، به کساني که تأثيرگذاري بر روي اذهان مردم دارند، عرض ميکنم: ما بايستي اين حرکت به سمت پيشرفت را بي وقفه ادامه دهيم؛ هم در زمينه سياست، هم در زمينه علم و فناوری، هم بخصوص در زمينه اخلاق و معنويت. خودمان را تهذيب کنيم، خودمان را اصلاح کنيم، عيوب خودمان را بشناسيم و درصدد رفع آن عيوب برباييم. اگر اين کار را بکنيم، اين موانعي که دشمنان ما بر سر راه ما ايجاد ميکنند، اثر نخواهد گذاشت. تحریم اثري ندارد. تحریم نمیتواند ملت ايران را از حرکت به جلو باز بدارد. تنها اثري که اين تحريمهاي يکجانبه و چندجانبه بر روي ملت ايران ميگذارد، اين است که نفرت و دشمني از غرب در دل مردم ما عميق تر ميشود.

خب، صحبت از عزت ملي است. اين جنبشها و انقلابهاي منطقه را که نگاه کنيد، مي بينيد همه مرتبط با عزت ملت است. اين انقلابها، از يمن و بحرين بگيريد تا مصر و ليبيا و تونس و همچنين کشورهايي که هنوز آتش زير خاکسترند و يك روزي شعله ور خواهند شد، همه اينها انگيزه شان بازگشت به عزت ملي و عدالت اجتماعي و آزادي، و همه در سايه اسلام است. اينکه ميگويم بيداري اسلامي، اين حرف پايه دار است، ريشه دار است. ملتهاي مسلمان عدالت را ميخواهند، آزادي را ميخواهند، مردم سالاري را ميخواهند، اعتنائي به هويت انسانها را ميخواهند؛ اينها را در اسلام مي بينند، نه در مکاتب ديگر؛ چون مکاتب ديگر امتحان داده و شکست خورده اند. بدون مبناي فکري هم که نميشود به اين اهداف بلند دست پيدا کرد. آن مبناي فکري بر حسب ايمان و اعتقاد ملتهاي منطقه عبارت است از اسلام و بيداري اسلامي. ماهيت جنبشها اين است.

غربي ها و حکومتهاي وابسته به غرب در اين منطقه، ميخواهند صورت مسئله را عوض کنند؛ ميخواهند جور ديگري به افکار عمومي القاء کنند؛ اما فايده اي ندارد. شخصيتهاي مؤثر بايد مراقب باشند دور نخورند. ملتها بايد مراقب باشند دور نخورند. ملتها کار بزرگي انجام دادند. فضاي سياسي و اجتماعي منطقه به طور اساسي تغيير کرده؛ اين مال همين حالاست، «؛باش تا صبح دولتش بدمد، که اين هنوز از نتايج سحر است». در همين قدم اول، فضاي سياسي منطقه تغيير پيدا کرده؛ نمونه اش اين است که مثلاً در مصر وقتي که قيام مردم به نقطه جوش و به اوج رسيد، بسياري از غربي ها و بسياري از حکومتهاي مستبد منطقه سعي ميکردند از مبارک حمايت کنند، او را نجات دهند، مردم را سرکوب کنند؛ اما حالا که مردم غلبه پيدا کرده اند و پيروز شده اند، همان قدرتها، ديکتاتورترينشان، مستبدترينشان، ذليل ترينشان در مقابل غربي ها، دم از حقوق مردم ميزند، دم از مردم سالاري ميزند! اين معنايش اين است که امروز مردم سالاري آنچنان به سکه رايجي در اين منطقه تبديل شده که حتي آن کساني که حاضر نبودند اسم مردم و حقوق مردم به گوش کسي برسد، امروز مجبورند و چاره اي ندارند که براي جلب افکار عمومي، دم از مردم سالاري بزنند، دم از حقوق مردم بزنند!

قضيه اين انقلابها خيلي مهم است. من بر روي مصر تكيه کنم. مصر کشور بزرگي است، مصر ملت کهنی است، مصر يك منطقه اساسي در دنياي اسلام بوده؛ منتها حاکمان فاسد و مزدور و پست و ذليل، ملت مصر را تدليل کردند؛ مصر را تبديل کردند به گنج استراتژيك رژيم صهيونيستي؛ اين عبارت يکي از رؤساي صهيونيست است. کشور مصر را، ملت مصر را، يك ملت باعظمت را تبديل کرده بودند به گنجي براي رژيم جعلي غاصب صهيونيستي. از اين خفت بالاتر؟ حالا اين گنج ساقط شده. حالا اين گنج از دسترس غاصبان کشور فلسطين خارج شده. رژيم مبارک سي سال امنيت اسراييل را تضمين کرد. حتي حاضر شدند يك و نيم ميليون مردم غزه را در يك زندان بزرگ نگه دارند. يك ميليون و نيم انسان در غزه، زير بمباران صهيونيستهاي خبيث بودند؛ از آن طرف هم به وسيله رژيم حسني مبارک، راه عبور و مرور هر گونه امکان حياتي به مصر بسته شده بود؛ اينها را تاريخ فراموش نميکند.

در آن ايام جنگ بيست و دو روزه، يك مبارز فلسطيني در يك مصاحبه اي گفت که امروز - آن روزي که او ميگفت - نوزده روز است که از جنگ ميگذرد، ولي ما در اين مدت نتوانستيم نوزده كيلو گندم و آرد از مصر وارد کنيم! راه انتقال غذاي مردم، دارو و ديگر امکانات را در رفح بسته بودند، براي اينکه به نفع رژيم صهيونيستي، يك و نيم ميليون انسان را با گرسنگي و تحت فشار، در زندان نگه دارند! حالا اين رژيم سقوط کرده. رژيم صهيونيستي احساس لختي ميکند؛ دستپاچه اند، حيرت زده اند. اين داد و بيدادهايي که مي بينيد از قول سران صهيونيست نقل ميشود و دم از کار نظامي و حمله نظامي ميزند، اينها حاكي از دست خالي و حاكي از وحشت و حيراني آنهاست؛ ميدانند که در اين شرايط، از هميشه آسيب پذيرترند؛ هرگونه قدم کجي بردارند، هرگونه حرکت ناشايستي انجام بدهند، مثل صاعقه اي بر سر خودشان فرود خواهد آمد.

غربي ها و آمريکايي ها هم که هميشه پشتيبانهاي بي قيد و شرط رژيم غاصب بوده اند، امروز از هميشه گرفتارترند. امروز غرب با سيلبي صورت خودش را سرخ نگه داشته است. آنها مشکلات مالي، مشکلات پولي، مشکلات اقتصادي، مشکلات اجتماعي دارند و در مواجهه با مردم خودشان درمانده اند. چندين حکومت طرفدار آمريکا در اروپا ساقط شدند. مردم اگر ميدان پيدا کنند، هر گونه نشانه استکبار آمريکايي را که در اروپا مشهود است، با حضور خودشان، با قدرت خودشان خواهند زدود. امروز وضعشان اين است. خود آمريکا هم بدتر از همه. ملتها از آمريکا متنفرند. آمريکا دچار بحران است. البته ميخواهند اين بحران را منتقل کنند به آسيا، منتقل کنند به آفريقا، منتقل کنند به خاورميانه؛ با حادثه آفريني در کشورهاي ديگر و مناطق ديگر، ضعف خودشان را بپوشانند. از جمله کارهايي که ميخواهند بکنند، اين است که در همين منطقه، اين انقلابهاي عظيم مردمی را به ضد خودشان تبديل کنند؛ مردم را به اختلافات قومي، اختلافات مذهبي، اختلافات طائفي سرگرم کنند. ما بايد هوشيار باشيم.

امروز آمريکايي ها از تجربه انگليسي ها دارند استفاده ميکنند در ايجاد اختلاف مذهبي بين شيعه و سني. انگليس ها متخصص دشمني انداختن بين گروه هايند - از جمله بين شيعه و سني در دنياي اسلام - از چند صد سال قبل آنها اينکاره بودند. آمريکايي ها دارند از تجربه آنها استفاده ميکنند. مسئله فلسطين پيش مي آيد، مسئله مصر پيش مي آيد؛ به مجردي که در مقابل حرکت مردم قرار ميگيرند، به يك جوري، با يك ترفندي، با يك خدعه اي، فوراً مسئله مذهبي را مطرح ميکنند. همه بايد بيدار باشند؛ سني بيدار باشد،

شیعه بیدار باشد، عالم مذهبی بیدار باشد، نخیه دانشگاهی بیدار باشد، آحاد مردم بیدار باشند؛ بفهمند چه کار میکنند، بفهمند توطئه دشمن را و نقشه دشمن را؛ به نقشه دشمن کمک نکنند. این کاری است که امروز آنها دارند انجام میدهند. البته غربی ها، از جمله آمریکایی ها، حرکت های دیوانه وار میکنند. مسئله هسته ای را بزرگ میکنند، برای اینکه مسائل خودشان را از نظرها بپوشانند. مسئله هسته ای ایران را در صدر مسائل دنیا قرار میدهند، در حالی که حقیقت قضیه اینجور نیست. به دروغ اسم سلاح هسته ای می آورند، به دروغ مسائل را در تبلیغات برجسته و درشت میکنند؛ هدفشان این است که ذهنها را، افکار عمومی را از حوادثی که در خود آمریکا دارد میگذرد، از حوادثی که در خود اروپا دارد میگذرد، منعطف کنند، منصرف کنند. البته موفق هم نخواهند شد.

نگاه ما به منطقه، امیدوارانه است. کشور مصر امروز به مسائل داخلی خودش مشغول است، که طبیعت انقلابهاست. یک حادثی پیش می آید، ناچارند این حوادث را حل و فصل کنند؛ ملت سرگرم آنهاست. این حوادث، یک خلایی را به وجود آورده؛ یک فرصتی برای برخی از کشورها به وجود آورده که وارد مسائل منطقه شوند، دخالت های غرب پسند و آمریکاپسند بکنند؛ به نیابت از آمریکا پول خرج کنند، به نیابت از آمریکا حرکت کنند، سفر کنند، اینجا و آنجا بروند. ولی ان شاءالله کشورهای انقلاب کرده، بخصوص کشور بزرگ مصر، به آرامش و ثبات باز خواهند گشت و بر مشکلات و ترفندها فائق خواهند شد. رژیم دیکتاتور برجیده شد، دنباله های آن هم ان شاءالله برجیده خواهد شد و ملتها خواهند توانست نقش خودشان را ایفاء کنند.

البته اینجا لازم است من با صراحت بگویم که در حوادث منطقه، مردم بحرین در مظلومیت مضاعف به سر میبرند؛ آنها حقیقتاً مظلومند. مردم بحرین به وسیله رژیم مستبد و دیکتاتوری، بی جهت و بدون دلیل سرکوب میشوند؛ اعتراض آنها با خشن ترین وضعیت پاسخ داده میشود؛ در حالی که آنها چه میخواهند؟ آنها اولین و ابتدایی ترین نیازهای انسانی یک کشور مردم سالار را طلب میکنند؛ چیز زیادی نمیخواهند. آنجا مسئله شیعه و سنی را مطرح میکنند، که آقا اینها شیعه اند. بحث شیعه و سنی نیست؛ بحث یک ملت است. حالا تصادفاً این ملت یک اکثریت هفتاد درصدی شیعه دارد. اگر هفتاد درصدشان مذهب دیگری داشتند، حاکمان مذهب دیگری داشتند، باز هم قضیه همین بود؛ فرقی نمیکرد. بحرین ملتی است با یک مذهبی - مذهب تشیع و پیروی اهل بیت (علیهم السلام) - که با یک حکومت مستبدی روبه رو است. مسئله این نیست که این حکومت، مذهبی دارد، مردم مذهب دیگری دارند. ملت ایران با رژیم شاه که به ظاهر مسلمان هم بود، شیعه هم بود، به حرم امام رضا هم میرفت، درافتاد. بنابراین بحث شیعه و سنی نیست. مسئله را میبرند توی اختلافات مربوط به مذهب، برای اینکه حق مردم را کتمان کنند. ولی ان شاءالله همه مجاهدتها به نتیجه خواهد رسید. باید مراقب باشیم آتشیهای قومی و طائفی و فرقه ای دامن زده نشوند؛ این خواسته ماست، این نصیحت ماست به همه اطراف قضایا.

امیدواریم ان شاءالله خداوند متعال کمک کند و یقیناً کمک خواهد کرد. بدون تردید، آینده برای ملتهای مسلمان و برای اسلام و مسلمین و برای ملت ایران، از گذشته بهتر است. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

1) شعراء: 217- 220

2) فاطر: 10

3) منافقون: 8

4) نساء: 139

5) شعراء: 121 و 122

6) آل عمران: 139

7) ابراهیم: 28 و 29